نظریه جعفر صادق در باب پیدایش جهان

نظریه جعفر صادق در باب پیدایش جهان

مجمع مطالعات اسلامی استراسبورک

امام جعفر صادق راجع به بعضی از مسائل فیزیکی چیزهائی گفته که از لحاظ تئوری کوچکترین تفاوت با نظریه بوجود آمدن جهان در این عصر ندارد ویک دانشمند فیزیکی این دوره وقتی تئوری جعفر صادق را در مورد ایجاد دنیا میخواند تصدیق میکند که نظریه ایست مطابق با تئوری فیزیکی ایجاد دنیا در این عصر.

هنوز نظریه مربوط به پیرایش جهان در کادر قانون علمی قرار نگرفته و هرچه گفته اند تئوری است و ممکن است صحیح باشد یا نادرست جلوه کند.

تئوری جعفرصادق هم راجع به پیدایش دنیا همین طور است و در کادر قانون علمی قرار نگرفته تا این که بتوان آن را حقیقت غیر قابل تردید علمی دانست.

اما این مزیت را دارد که با این که در دوازده قرن قبل از این ابراز شده یا تئوری جدید فیزیکی راجع به پیدایش دنیا مطابقه میکند.

امام جعفر صادق راجع به دنیا چنین گفته است:

جهان از یک جرثومه بوجود آمد و آن جرثومه دارای دو قطب متضاد سبب پیدایش ذره گردید و آنگاه ماده بوجود آمد و ماده تنوع پیدا کرد و تنوع ماده ناشی از کمی یا زیادی ذرات آنها میباشد.

این تئوری با تئوری اتمی امروزی راجع بوجود آمدن جهان هیچ تفاوت ندارد و دو قطب متضاد دو شارژ مثبت و منفی درون اتم است و آن دو شارژ سبب تکوین اتم گردیده و اتم هم ماده را بوجود آورده و تفاوتی که بین مواد(یعنی عناصر)دیده میشود ناشی از کمی یا زیادی چیزهائی است که درون اتم عناصر موجود میباشد.

چند نفراز فیلسوفان یونان قدیم که در قرن ششم و پنجم قبل از میلاد بسر می‌بردند راجع به پیدایش دنیا نظرهائی ابراز کردند و (ذیمقراطیس)نظریه (اتم)را راجع به پیدایش دنیا ابراز کرد و بعید نمیدانیم که امام جعفر صادق از تئوری فیلسوف یونانی راجع به پیدایش جهان اطلاع داشته و تئوری خود را با وقوف بر آن نظریه ها ابراز کرده است.

به احتمال قوی اگر امام جعفر صادق از نظریه فیلسوفان قدیم یونان اطلاع داشته آن تئوریها از همان راه که جغرافیا و هندسه وارد مدینه گردید به آن شهر رسیده بود یعنی از راه دانشمندان مصری از فرقه قطبی.

میتوانیم فکر کنیم که چون امام جعفر صادق از تئوری های دانشمندان قدیم یونانی که سیزده قرن یا دوازده قرن قبل از او میزیسته اند راجع به پیدایش جهان اطلاع داشته توانسته آن تئوری ها را تکمیل کند و راجع بوجود آمدن دنیا نظریه ای ابراز نماید که امروز علمای فیزیک آن را میپذیرند و هنوز نتوانسته اند نظریه ای جالب توجه تر از نظریه آن مرد راجع به پیدایش دنیا بگویند.

در این نظریه بر جسته ترین قسمت موضوع دو قطب متضاد است قبل از جعفر صادق فیلسوفان یونان و دانشمندان اسکندریه پی برده بودند که در هستی اضداد وجود دارد و بعضی از آنها گفتند که هر چیز را بایستی از ضد آن شنا خت.

اما در تئوری جعفر صادق تئوری مربوط با ضداد صریح بیان شده و این صراحت نه در نظریه فیلسوفان قدیم یونان وجود دارد و نه در نظریه دانشمندان مکتب علمی اسکندریه.

دانشمندان یونان و اسکندریه نظریه های خود را در مورد اضداد طوری بیان کرده اند که گوئی میخواسته اند

راهی برای فرار داشته باشند و اگر دریافتندکه اشتباه کرده اند بتوانند گفته خود را پس بگیرند.

واضح است که از این جهت نظریه آنها به آن شکل ابراز شده که اطمینان نداشتند که اشتباه نمیکنند.

ولی جعفر صادق نظریه خود را صریح و بدون قید و شرط بیان کرده و در تئوری او (اگر)و (اما)وجود ندارد و صراحت نظریه اش ثابت میکند که میدانسته اشتباه نمینماید و نمیخواسته راه باز گشت را برای خود حفظ کند.

شیعیان میگویند تمام چیز هائی که امام جعفر صادق در مورد بوجود آمدن جهان و نجوم و فیزیک و عناصر و شیمی و ریاضیات و چیزهای دیگر گفت از علم امامت یعنی علم لدنی او بوده است.

اما مورخ نمی تواند علم جعفر صادق را لدنی بداند و دیگر این که تردید نداریم که جعفر صادق قبل از این که خود شروع به تدریس کند مدتی تحصیل میکرده و در جلسه درس پدرش حضور بهم میرسانیده است و مورخ نمیتواند مردی را که مدتی تحصیل میکرده دارای علم لدنی بداند.

تصور میکنیم که حتی شیعیان هم انکار کنند که جعفر صادق الفبا را از دیگران فرا گرفته بود و مردی که الفبا و مقدمات دیگر را از سایرین فرا گرفته چگونه از نظر یک مورخ میتوانید دارای علم لدنی باشد.

(مجمع مطالعات اسلامی در استراسبورک بزرگان اسلام را فقط از لحاظ تاریخی مورد تحقیق قرار میدهد.) یک مورخ او را یک دانشمند بر جسته میبیند و میفهمد که نیروی تفکر علمی او خیلی قوی تر از معاصرین بوده و آنچه در علوم مختلف گفته و کشف کرده از آن نیروی تفکر علمی سر چشمه میگرفته نه از یک علم لدنی و ملکوتی و یکی از چیز هائی که جعفر صادق در مورد پیدایش جهان گفته دو قطب متضاد است. اهمیت آنچه آن مرد گفت بعد از قرن هفدهم میلادی که وجود دو قطب متضاد در فیزیک به ثبوت رسید آشکار شد. معاصرین او و کسانی که بعد از وی آمدند دو قطب متضاد را در شمار آنچه قدما گفتند معشر بر این که هر چیز بضد خود شناخته میشود محسوب کردند و اهمیت گفته جعفر صادق پس از این که وجود دو قطب متضاد در فیزیک به ثبوت رسید آشکار گردید و امروز هم در اتم شناسی و الکترونیک وجود دو قطب متضاد غیر قابل تردید است. ما علوم جعفر صادق را از جغرافیا و نجوم و فیزیک در مبحث پیدایش دنیا و عناصر شروع کرده ایم و لذا مبحث فیزیک جعفر صادق را ادامه خواهیم داد و بعد از آن به مباحث دیگر خواهیم رسید و میگوئیم در فیزیک جعفر صادق چیزهائی گفته که قبل از او کسی نگفت و بعد از وی تا نیمه دوم قرن هجدهم و قرن نوزدهم و بیستم بعقل کسی نرسیده که آنها را بگوید.

منبع : گروه نابغه www.groups.yahoo.com/group/nabegheha